

## هنگامه ها در رفع نقیصه ها

### هنگامه هجدهم



## پیام اعلیحضرت رضاشاه دوم

### شهریار ایران

## بمناسبت سالروز انقلاب مشروطیت ایران

( ۱۴ مرداد ماه سال ۱۳۶۲ شمسی )

امیر فیض-حقوقدان

بمناسبت سالروز انقلاب مشروطیت، پیامی بامشخصات بالا خطاب به هم میهنانم انتشار یافت.

در این پیام با تشریح اصولی از قانون اساسی مشروطیت و کیفیت دسترسی ملت به آن و اینکه این واقعه تاریخی را مردم < **فتح ملی** > خواندند، به این حقیقت تاکید گذاشتند که:

**«قانون اساسی، این سند گرانبها هنوز با آخرین قوانین و مقررات جهانی درباره حفظهای قانونی و حقوقی بشری برابری میکند»**

سپس تالم و نگرانی های خودشان را از آنچه که بر مردم ایران میروند، از بی قانونی و زورگونی ها و عدم امنیت فردی و اجتماعی بیان و نتیجه گرفته اند که:

اوضاع بدتر از سالهای پیش از انقلاب مشروطیت است. ماهمه متفقا بادشمن مشترک مبارزه میکنیم، استبداد و وحشت و عدم امنیت و بی قانونی و تکفیر و زندان و شکنجه و مرگ را از میان بر میداریم و دوباره **قانون اساسی را بر کشور حاکم میکنیم**

«برخلاف آنچه دشمنان شایع میکنند. من در کنار شما ایستاده ام و تا پیروزی هر قدر طول بکشد، دست از مبارزه نمیکشم. همواره خود را در میان شما میبینم. قلبا به شما نزدیکم و آرزو دارم زود تر روزی برسد که به دیدار همه تان برسم و آن موقعی است که **بنظام سیاسی رسیده ایم که در آن مردم محترم هستند و به حساب میآیند، مردم در امور مشارکت دارند و در برابر قانون مساوی هستند این نظام همان حکومت مردمی و حکومت قانون است که تنها از راه قانون اساسی تامین میشود.**»

خوشوقتم به اطلاع شما هم میهنان عزیز برسانم که چند گروه ملی به توصیه من پاسخ مثبت داده اند و خواست شما را تحقق بخشیده اند و توافق کرده اند در راه نجات ایران و برقراری سلطنت مشروطه بر اساس قانون اساسی و متمم آن با هم قدم بردارند تا حکومت مردمی و قانونی تامین گردد.....»

(مشروح پیام درسنگر سی ام مرداد ۶۲ شماره ۱۷۲)

## تفسیری بر پیام اعلیحضرت

### سری درکنار

منش ایرانی چنین باشد که شاه را رهبر معنوی و بزرگ خود داند. تاسی در عمل و گفتار او را افتخار خود شناسد. در پناه او مأوی گزیند و بهنگام سختی و تلخکامی، او را رهاساز و ملجاء امید داند.

شاه در قاموس ایرانی سری است بر بدن ملت، سر رادکنار ملت نتوان یافت الا که آن بدن، کالبدی بی جان باشد.

سر راجایگاهی سریر است که وقتی در جایگاهش نباشد، روحی در بدن نماند.

ضرورت است که احاد راسری باشد وگرنه ملک نگیرد به هیچگونه نظام

مردم وقتی پادشاهشان رادکنار و یادرمیان خود می بینند، بفرمان احساس، ابتدا به دورش حلقه میزنند و سپس بفرمان عقل و منشی که دارند در پشت شاه قرارگاه میسازند تا تحت فرمان و فرماندهی او قرار گیرند.....

اگر پادشاه به این باور همگانی و تاریخی مردم رغبت نشان ندهند و همچنان اراده فرمایند که در این روزها در کنار قرار گیرند، مردم نیز به حکم تربیت و منشی که دارند از کنار شاه خود رادپناه شاه احساس خواهند کرد و این دور تسلسل همچنان ادامه مییابد و صحنه مبارزات، از پیشتازان و سپاهیان خالی و آنرا برای ادامه ترکتازی اهریمنان مهیا میسازد و نا کامی و مشقت را بر همگان مستولی مینماید و روزهای مبارزه چنان میشود که شاه، همچنان خود رادکنار مردم و مردم در انتظار حضور پادشاه خود در صاف مقدم مبارزه، دقیقه شماری میکنند.

در منش ایرانی چنان نیامده که شاه بردشمنان بتازد و بر روی آنان شمشیر بکشد بلکه آمده است که فرماندهان و سرداران کارزار، به اذن شاه بردشمن بتازند و درفش کویانی رادربلندیهای دشمن به اهتزاز در آورند.

این منش نیکو و سنت ایرانی همان است که در قانون اساسی مشروطه ما، به روشنی میدرخشد که فرمان مسنولین کشور را شاه میدهد و او را به ستیز با دشمن و آزادی کشور و فرخندگی ملت و برقراری امنیت، سفارش میکند.

آنجا که در متمم قانون اساسی امر فرماندهی سپاهیان بر عهده شاه آمده، نه برای دلشادی شاه است، بلکه بر رعایت منش ایرانی، وحدت فرماندهی و ایفای رسالت تاریخی است.

تأین مهم به رعایت شهریار ایران مفتخر نگردد، نابسامانیها بماند، نیروها نحیف و از کار بازماند و امیدها بر باد رود و افسوس و گلایه ها بر زبان ها آید، پیشگونی شوم، (عجب تحقق یافته است)

مردم، جزیه شاه خود، چشم امید و دل اعتماد ندهند و چنان از قبایل و کسان گوناگون رنجیده و ترسیده اند که جزیه جلوداری شاه، در، بر غیر، نگشایند و رکاب، بر احساسات ملی نزنند و همچنان در آتش انتظار بسوزند.

امروز شاه انجمن دلبران یکی است دلبر اگر هزار بود، دل بران یکی است

